

# جمهوری اسلامی ایران و آمریکا جنگ احتمالی و خطرات ناشی از آن

از: گزارشگر مجله هفتگی «پیام»



اسلامی و آمریکا وجود ندارد.

دوم تحریم است که اولاً دودش به چشم مردم ایران خواهد رفت و دوماً اگر تحریم یونیورسال نباشد کارساز نخواهد بود چرا که جمهوری اسلامی هر سال حدود ۹۰ بیلیون دلار درآمد نفتی دارد و میتواند به موجودیت خود ادامه دهد.

سوم جنگ است؛ یعنی حمله نظامی آمریکا به ایران که بنظر من نه تنها هیچ مسئله ای را حل نمیکند بلکه عواقب بسیار وخیم و خطرناکی برای آمریکا، برای ملت ایران و حتی برای دولت اسرائیل دارد و سبب بالکانیزیشن تمام منطقه خواهد شد و ممکن است در امنیت متزلزل پاکستان و امنیت ترکیه و آسیای میانه و کشورهای عربی خلیج فارس اثرات وخیم بگذارد. ایشان افزودند: «بنظر من تنها راه و کلید کار در دست مردم ایران است و این پاشنه آشیل رژیم است! چرا که رژیم از آمریکا وحشت ندارد، اهمیتی هم نمیدهد زیرا که یک رژیم مذهبی رادیکال و معتقد به ظهور امام زمان است و مرتب هم در این باره تبلیغ میکند. آقای احمدی نژاد نیز در نطق خود در دانشگاه کلمبیا بدان اشاره کرد. ترس و وحشت رژیم تنها از ملت ایران است.

بارها پرزیدنت جرج بوش از مردم ایران پشتیبانی کرده ولی متأسفانه این پشتیبانی جنبه عملی و جدی نداشته و وزارت خارجه آمریکا هم هنوز طرفدار «گراند بارگین» (معامله بزرگ) و تعقیب مذاکرات دیپلماسی با ایران است.

بدون تردید خود آقای بوش هنوز طرفدار تغییر رژیم است. اگر آمریکا بطور جدی و محکم حمایت سیاسی و اخلاقی از مبارزات مردم ایران بکند، خواهد دید که مردم که آماده برداشتن و تغییر این رژیم هستند به حرکت در خواهند آمد. ایران حدود ۵۰ تا ۵۲ میلیون جوان زیر سن ۲۳ سال دارد که همه بیکار، ناراضی، بدون آینده روشن میباشند و اگر رهبری سالم ملی بدون آلودگی مالی داشته باشند و از حمایت جامعه جهانی و بخصوص آمریکا برخوردار باشند خواهیم دید که به آسانی حیات سیاسی این رژیم مذهبی که بیش از حد این جوانان از آن تنفر دارند، پایان خواهد پذیرفت. بنظر من دولت آمریکا باید این راه را دنبال کند چون نه خطر جنگ دارد نه خطر مشروعیت دادن به جمهوری اسلامی. قدرت توده های ناراضی ایران و مخصوصاً زنان ایران را نباید دست کم گرفت. بنا به گفته پروفیسور H. Carr «سیاست واقعی آنجاست که توده های جوان (social force) هستند نه هزارها، نه صدها هزار، بلکه میلیون ها» و آنجاست که سیاست واقعی آغاز میگردد و این مهمترین نیرویی است که میتواند تمام معادلات را بر هم زند. «در خاتمه دکتر اسد همایون چنین نتیجه گرفتند:

«بر ایرانیان است که چه در خارج چه در داخل ایران سعی کنند

چنین «آلترناتیو ملی» در صحنه سیاست حضور پیدا کند که هم مورد اعتماد ملت ایران باشد و هم بدون اینکه عروسک و آلت دست آمریکا باشد از حمایت دولت آن بهره مند گردد و از نفوذ جامعه جهانی برای نجات ملت ایران بهره بگیرد؛ و این تنها راه و سالمترین راه است.»

بنا بدعوت «انجمن فرهنگ ایران زمین» دکتر اسد همایون پرزیدنت بنیاد آزادگان روز یکشنبه ۴ نوامبر در «باشگاه آرامنه ایرانی» سخنرانی بسیار جالب و آموزنده ای ایراد کردند. موضوع سخنرانی «جمهوری اسلامی ایران و آمریکا - جنگ احتمالی و خطرات ناشی از آن» بود که طی آن دکتر همایون با زبانی شیرین و شیوا، تاریخ و همچنین موقعیت استراتژیکی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران را تشریح نمودند.

در این برنامه که مورد استقبال بیش از ۲۵۰ نفر قرار گرفت در ابتدا آقای مرتضی افتخاری از طرف انجمن فرهنگ ایران زمین به شرکت کنندگان خیر مقدم گفتند. سپس تیمسار علی محمد آیروملو ضمن بیانات پرشوری آرزو کردند که روزی همه عاشقان ایران زمین با در دست داشتن پرچم شیر و خورشیدنشان، قدم به خاک ایران گذاریم و در پناه استقلال و آزادی بسر ببریم. سپس آقای دکتر سیروس اسدی پزشک نامدار و شخصیت بزرگ علمی و اجتماعی به معرفی آقای دکتر اسد همایون پرداختند و در قسمتی از سخنانشان فرمودند «من ایران و ایرانی را می شناسم، امیدم را قطع نمیکنم و هرگز باور نمیکنم که آخوندیسم در کشور ما پیروز شده باشد و ما همگی باید بیشتر در جهت براندازی این رژیم تلاش کنیم.»

آقای دکتر اسد همایون بطور خلاصه در باره انقلاب اسلامی ایران و زیانهای که در طی ۲۸ سال از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مخصوصاً آزادی به ملت ایران وارد شده و غیر قابل محاسبه است سخن گفتند و ضمن اشاره به سیاست جمهوری اسلامی، حمایت از تروریسم، مخالفت با آمریکا، فساد داخلی و نقض حقوق بشر و مخصوصاً انکار هولوکاست و تهدید دولت و ملت اسرائیل و مهمتر از همه کوشش برای دسترسی به سلاح اتمی چنین نتیجه گرفتند که در حال حاضر امکان برخورد نظامی بین ایران و آمریکا پیش بینی میشود که خطرات بسیار زیاد برای وحدت ایران، ثبات منطقه خاورمیانه و صلح جهانی دارد.

دکتر اسد همایون در قسمتی دیگر از بیانات خود گفتند: «جمهوری اسلامی سیاست های ضد غربی خود را دنبال میکند و در عین حال که دولت آمریکا متوجه خطرات جنگ برای خود و منطقه میباشد و دولت اسرائیل نیز مایل نیست ارتباط تاریخی و فرهنگی سه هزار ساله خود را با ملت ایران در معرض خطر قرار دهد، متأسفانه سیاست مذهبی و فاشیستی جمهوری اسلامی ایران ممکن است اوضاع را به حدی برساند که آنچه نباید بشود اتفاق بیفتد.» دکتر همایون افزودند:

«بطور کلی راه حل اختلافات دو کشور سه مرحله دارد:

مذاکره، تحریم و جنگ...

مذاکره با عدم موفقیت روبرو شده زیرا هیچ نوع وجه

مشترکی که پایه مذاکرات سیاسی قرار گیرد بین رژیم جمهوری